

عتیق الله نایب خیل

سیدنی

19-07-2012

پیرامون

مظالم جمهوری اسلامی ایران بالای مهاجرین

گنه کرد در بلخ آهنگری به شوشتر زدند گردن مسگری

در گزارش اخیر کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، افغانستان با داشتن 2.7 میلیون پناهنده در جهان، مقام نخست را احراز کرده است. (بی بی سی)

تعداد بیشتر این پناهندگان در دو کشور همسایه، ایران و پاکستان، پناه برده اند. این دو کشور، که در حقیقت وجود پناهندگان افغان را برای خود غنیمت بزرگی می شمارند، همواره از آن استفاده ابزاری کرده اند. اردوگاه های بزرگ پناهندگان افغان در پاکستان، که در سال های قبل منبع سرشار کمک های جهانی برای پاکستان بود، اکنون به محل سربازگیری گروه طالبان مبدل گردیده که نتیجتاً در خدمت اهداف استراتژیک و منطقه ای پاکستان قرار می گیرد.

اما در همسایگی غرب کشور ما، جمهوری اسلامی ایران، کشوری که رهبران دولتی آن ادعای رهبری جهان اسلام را دارند، سنگ اسلام خواهی به سینه می کوبند و میلیون ها دلار بآوردۀ فراورده های نفتی را صرف تبلیغات اسلامی و ضد اسرائیلی می کنند، به تجهیز و تمویل حزب الله لبنان و حماس و حزب بعث سوریه و طالبان افغانستان و دهها گروه تروریستی دیگری پردازند تا مگر جهان اسلام به نقش رهبری آن گردن نهد. اما در برابر کتله های وسیعی از انسانها که بنابر دلایل متعددی به آن کشور پناه برده اند، سیاست تبعیضی و جفا آمیز پیشه کرده اند.

سالهاست که پناهندگان افغان به وسیله عوامل رژیم جمهوری اسلامی مورد اذیت و آزار قرار می گیرند. کوچکترین موازین حقوق بشر در موردشان رعایت نمی گردد، در سرماهای زمستان رد مرز گردیده اند و صدها تن، به صورت مخفی و علنی،

اعدام گردیده اند ؛ درحالی که به آنان حق دفاع از خود، در محاکم رژیم جمهوری اسلامی ، داده نشده است و به وکیلان مدافع هم دسترسی نداشته اند.

پناهندگان افغان در ایران به سخت ترین و شاق ترین کارهای جسمی، با حداقل مزد، و کمتر از مزدی که به یک ایرانی پرداخته می شود، می پردازند. در محروم ترین محله ها و خانه های فقیرانه زندگی می کنند. از هیچگونه حقوق اساسی و انسانی بهره مند نیستند. مورد تحقیر و توهین عوامل رژیم و آن عده ایرانیانی قرار می گیرند که متأثر از فرهنگ شوینسم ایرانی و تبلیغات دروغین رهبران آن کشور اند. آنانی که علل اصلی بحران و ناهنجاری های اقتصادی و اجتماعی در ایران را نمی دانند، فریب دروغ ها را میخورند .

این روزها نیز، شاهد فیصله ها و تشدید رفتارهای تبعیض آمیز در برابر مهاجرین افغانستان در ایران هستیم. دور تازه یی از اقدامات ضد پناهندگان افغان به اجرا گذاشته شده که یاد آور برخورد نیروهای نازی آلمان در برابر یهودیان و رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در برابر سیاهان است. مسئولین رژیم هرچه در توان دارند به خرج می دهند تا این دید ضد کرامت انسانی و تبعیضی را در جامعه رواج دهند. این درحالیست که ایران خودنیز در جمع کشورهای به حساب میاید که پناهندگانش در همه کشورهای دنیا به سر می برند.

تاکنون در 28 استان ایران بودوباش افغان ها ممنوع شده است. سال روان خورشیدی ورود افغان ها به یک پارک در اصفهان را ممنوع کردند که با اعتراضات بسیاری درجهان ، از جمله در میان حقوق دانان ، نویسندگان، هنرمندان و دیگر طیف های روشنفکر ایرانی، مواجه شد . در استان فارس حتی فروش مواد غذایی و هر نوع سرویس و خدمات دیگر را برای افغان ها ممنوع کرده اند. حق رانندگی نیز از پناهندگان سلب شده است.

اخیرا" در شهر یزد جسد دختری را پیدا کردند که بعد از تجاوز به قتل رسیده بود. مسئولین امور شایع کردند که قاتل یک افغانی بوده است. نه قاتل دستگیر شده است و نه شواهدی برجاست که قاتل یک افغانی بوده است . شکی نیست که یک افغان نیز می تواند دست به چنین جنایتی ببرد ، همان طوری که یک ایرانی و یا شهروند هر کشور دیگری. و ما همین چندی قبل شاهد شنیدن اخباری ازین دست و تجاوزات جنسی در زندان کهریزک ایران بودیم. آیا مسئول آن تجاوزات هم افغان ها بوده اند ؟

قصد ما این نیست که بگوییم همه ایرانی ها در آن جنایات شریک اند. جرم یک عمل شخصی است و از شخصی به شخص دیگر سرایت نمی کند. ولی به فرض آن که این جنایت توسط یک افغان صورت گرفته باشد، چرا باید این موضوع را به همه پناهندگان افغان عمومیت داد . در شهر یزد با شلیک گلوله پناهندگان بی دفاع را مورد تهاجم قرار دادند ، مورد لت و کوب قرار گرفتند و با تخریب و به آتش کشاندن تعدادی از خانه های افغان ها، آنها را از کلبه های محقرانه آشپانه شان فراری دادند.

افغان ستیزی اکنون جزئی از سیاست رسمی دولت مردان ایرانیست. محمد رضا رحیمی ، معاون اول رئیس جمهوری اسلامی ایران روز ششم تیر (سرطان) گفت : "قدرت های بزرگ ، سه ملیون میهمان افغان را برماتحمیل کرده اند که اگر این تعداد افغان نباشند ، آمار بیکاری به صفر می رسد." !!

در رد این ادعای غلط باید به واقعیت های جاری در ایران توجه نمود .

کافیست اخبار یک روزه ایران مرور گردد تا به عمق بحران موجود در آن کشور پی برد. استخراج و صادرات نفت در طول سال روان میلادی چهل درصد کاهش را نشان می دهد. انجمن خودروسازان ایران در گزارشی اعلام کرده است که تولید خودرو در ایران طی سه ماهه اول سال جاری 36 درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش یافته است.

رادیو فردا (24 سرطان / تیر) به نقل از روزنامه همشهری چاپ تهران می نویسد که برخی از مردم برای خرید مرغ دولتی از سه روز جلوتر ثبت نام می کنند ولی پس از ایستادن در صف های طولانی نتوانسته اند مرغ خریداری کنند. فرمانده نیروی انتظامی از تلویزیون دولتی ایران خواسته است تصویر خوردن مرغ را نشان ندهند که دهان کسانی که هوش را دارندولی دست شان به آن نمی رسد ، آب نیاندازد.

این ها مشت نمونه خروار اند که سیاست های غلط منجر به بحران و بیکاری شده است نه عامل مهاجرین افغان .

. واقعیت اینست که رژیم جمهوری اسلامی ایران با بحران ها و چالش های عمیق اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی دست به گریبان است و هراز گاهی عامل موجودیت پناهندگان افغان را تا آنجا بالا می کشد که به مردم ایران وانمود کند که دلیل این همه بحراناها همین ها هستند. تحریم ها و محاصره اقتصادی ایران به وسیله امریکا و غرب ، معضلات بیکاری و کاهش تولید و مسدود شدن کارخانه جات تولیدی ، تورم و افزایش سرسام آور قیمت مواد مصرفی ، سقوط ارزش ریال در برابر ارز خارجی ، سرکوب نیروهای مخالف رژیم ، تجاوزات جنسی در زندان ها ، همه و همه ارتباطی با موجودیت پناهندگان افغان در آن کشور ندارد.

قابل یادآوریست که ستمی که بر افغان ها در ایران رواداشته می شود جدا از ستمی نیست که بر علیه سایر ملیت های غیر فارس مانند بلوچ ها ، کردها، لر ها ، اعراب، ترکمن ها و ترک ها به کار برده می شود.

درین میان دولت افغانستان نظاره گر است، همه چیز را فدای مصلحت گرایی ها می کند و نمی تواند از حقوق شهروندان زیر ستم خود در ایران و پاکستان دفاع نماید. سایه شوم تروریسم و نبود امنیت، بیکاری ، ارتشاً و فساد متعفن دولتی ، کمبود مسکن و دهها عامل دیگر فرصت های بازگشت مهاجرین را مساعد نساخته و دولت نتوانسته است این فرصت های مساعد را برای بازگشت مهاجرین مهیا سازد.

وقتی برخوردهای نامنصفانه مقامات دولتی ایران را، در برابر پناهندگان افغان، به مذمت می گیریم، نباید فراموش مان گردد که همدردی های مردمان شریف ایران را که جدا از دولت ایران هستند، نیز نمی توان نادیده گرفت. در همین راستا اصغر فرهادی، کارگردان مشهور ایرانی که فیلم جدایی نادر از سیمین وی جایزه سینمایی اسکار را از آن خود کرد، شیوه برخورد با پناهندگان افغان را به باد انتقاد گرفت و گفت که: "چنین رفتارهای ناشایستی با مهاجران در ایران برای کشوری که خود یکی از بالاترین آمار مهاجران را در کشورهای دیگر جهان دارد، تلخ است"

خودآگاهی انسانی همین است که بدانیم انسان ها، صرف نظر از نژاد و ملیت، رنگ پوست، طبقه، دین و مذهب، و موقعیت های شغلی، دارای وجدان واحد انسانی هستند. هیچ انسانی برتر از انسان دیگر نیست مگر به درجاتی که از وجدان انسانی برخوردار اند.

این درد نامه را با صدای جاویدان سعدی به پایان می برم که طنین همیشگی دارد:

بنی آدم اعضای یک پیکرند

که در آفرینش زیگ گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دیگر عضو ها را نماند قرار

تو که محنت دیگران بی غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

^^^